

کشتار در اوربرو: نژادپرستی و سرکوب طبقاتی



ما پیام خود را با ابراز همدردی صمیمانه با خانواده‌ها، بازماندگان و همکاران قربانیان این کشتار بی‌سابقه، آغاز می‌کنیم. اندوه شما، درد جمعی ما است. ما ضمن اعلام همبستگی با شما و تاکید بر تداوم مبارزه، یاد همه قربانیان این کشتار راسیستی را گرامی می‌داریم.

نقش نژادپرستی در این جنایت

قتل‌عام وحشیانه در اوربرو بازتاب مستقیمی از راسیسم ساختاری مسلط بر جامعه سوئد است، جایی که گفت‌وگو عمومی همچنان بر اساس یک نظم استعماری شکل گرفته است. فضای رسانه‌ای و گفت‌وگوهای سیاسی در طول دهه‌ها، تصویرسازی نژادپرستانه از گروه‌های غیرسفیدپوست و شیطان‌سازی سیستماتیک از آنان، محیطی را ایجاد کرده که در آن، اعمال خشونت‌آمیز با انگیزه‌های نژادپرستانه یا در واکنشی کور به راسیسم فرهنگی و سیاسی حاکم، بر کل جامعه سوئد سایه افکنده است.

این حمله را می‌توان اوج فضایی سیاسی اجتماعی دانست که در آن، گفت‌وگو به‌داشت نژادی و راسیسم علمی در تاریخ گذشته سوئد، جای خود را به مفاهیمی همچون «تصادم فرهنگی» و «مشکلات جامعه چند فرهنگی» داده است. امری که به سهم خود نقش مهمی در به حاشیه راندن ائتلاف غیر سفید و بازتولید راسیسم فرهنگی داشته و به فشار مضاعف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به بخش قابل توجهی از طبقه ما انجامیده است. شیطان‌سازی سیستماتیک رسانه‌ها و سیاستمداران از کارگران و ائتلاف غیر سفید جامعه، بخشی از این اعمال فشار بر طبقه ما و تفرقه افکنی در جنبش اعتراضی کارگران نیز می‌باشد. اما راسیسم فرهنگی و علمی سوئد روند به مراتب گسترده‌ای است که به گواه حوادث روزمره به عادی‌سازی خشونت در مناطق حاشیه‌ای انجامیده است. شرایطی که خود بدل به بستری برای حملات نژادپرستانه مانند آنچه در شهر اوربرو اتفاق افتاد، گشته است.

همگان دیدند که بعد از این کشتار راسیستی، رسانه‌ها، سیاستمداران و کارشناسان دانشگاهی به سرعت بسیج شدند تا تمرکز گفتمان سیاسی و اطلاع رسانی را از راسیسم ساختاری به دلایل دیگری منحرف کنند. اینان در عوض، بحث‌هایی مطرح کردند که با هدف سرپوش نهادن بر علل واقعی این جنایت صورت گرفت. از همین رو نیز کلیه مباحثات رسانه ای و اطلاع رسانی ها از منظر روانشناسی فردی، دسترسی به اسلحه و عوامل اجتماعی دیگر صورت گرفت، بدون اینکه حتی یکی از این گزارشات یا به اصطلاح تحلیل ها ، به نژادپرستی به عنوان یک نیروی محرک این حادثه، اشاره کنند. این انکار سازمان‌یافته، بازتابی از یک اختلال عمیق‌تر در ساختار جامعه سوئد است که آنرا از مواجهه با میراث استعماری و نقش تاریخی آن در شکل دادن به راسیسم علمی (بیولوژیک) و راسیسم فرهنگی بازمی‌دارد.

مبارزه طبقاتی و مقاومت

در یک مدرسه بزرگسالان که مهاجران در آن زبان سوئدی می‌آموزند، یک مرد مسلح دست به کشتار سیستماتیک زد. او زنگ هشدار آتش سوزی را فعال کرد تا دانش‌آموزان و معلمان را به محوطه مدرسه بکشاند و سپس شروع به تیراندازی کرد. قربانیان این جنایت، انسان‌هایی از طبقه کارگر بودند، بسیاری از آن‌ها در بخش مراقبت‌های بهداشتی و اجتماعی فعالیت داشتند. حوزه‌ای که عمدتاً توسط کارگران غیر سفید بمتابیه نیروی کار ارزان سوئد، اداره می‌شود. این گروه‌ها بار اقتصادی و اجتماعی جامعه نئولیبرالی سوئد را با تمام سنگینی آن به دوش می‌کشند، در حالی که همزمان در رسانه‌ها و سیاست‌های عمومی مورد حمله قرار می‌گیرند.

برخلاف آنچه رسانه های رسمی و تحلیلگران آن جار میزنند، کشتار در اوربرو یک اقدام جدای از اوضاع و شرایط سیاسی اجتماعی حاکم بر سوئد نبود. این یک حمله مستقیم به تحت‌فشارترین بخش‌های طبقه کارگر سوئد بود. این کشتار وحشیانه، بخشی از یک تاریخ طولانی سرکوب استعماری و بهره‌کشی سرمایه‌داری در تاریخ، یعنی نژادپرستی برای توجیه خشونت، استثمار و به حاشیه راندن اقشار فقیر غیر سفید، بوده و این قتل‌عام نیز در امتداد همان منطق صورت گرفته است. در جامعه‌ای که نژادپرستی به عنوان ابزاری برای رتبه‌بندی و تفرقه میان طبقه کارگر به کار می‌رود، خشونت به بخشی از نظم ساختاری تبدیل می‌شود.

این تراژدی را نمی‌توان صرفاً کار یک فرد دیوانه دانست، بلکه باید آن را به عنوان محصولی از یک فرآیند اجتماعی تحلیل کرد، جایی که ساختارهای نژادپرستانه و سیستم‌های اقتصادی نئولیبرالی در راستای حفظ نابرابری‌ها و تشدید استثمار، یکدیگر را تکمیل می‌کنند. طبقه کارگر جدید و فقیر سوئد در بطن چنین شرایطی شکل می‌گیرد. اوضاع کنونی بیانگر این حقیقت است که طبقه ما تنها از طریق یک جنبش کارگری همبسته که مبارزه علیه سرمایه‌داری و نژادپرستی را در اولویت قرار دهد، می‌تواند آینده‌ای عاری از این ساختارهای خشونت‌آمیز را بنا کند.

انجمن کار پداگوژیک – گوتنبرگ سوئد ۲۰۲۵/۰۲/۱۲